

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

*Literary-Cultural*

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

*ادبی - فرهنگی*

نازی نور "عاطفی"

19 جولای 2012

## سوانح مرحوم فیض محمد "عاطفی"



فیض محمد "عاطفی" فرزند میرزا خیر محمد خان "هروی"، در خانواده ای فرهنگی پا به عرصه وجود نهاد؛ بالخاصه خانواده مادری ایشان نقش مهمی در رشد ادبی او داشتند. مادر

ایشان دختر زنده یاد منشی عبدالکریم خان "احراری" بود؛ خانواده "احراری" از بنیانگذاران "انجمن ادبی هرات" بودند.

فیض محمد عاطفی، در سال ۱۳۰۶ خورشیدی چشم بجهان گشودند، دورهٔ تعلم خود را در مکاتب بابا ولی مست، لیسهٔ رشديه و مکتب نظامی به پیش بردند و بعد وارد "پوهنتون حربی" کابل شدند. ایشان مدتی به حیث سریاور سردار محمد داوود خان اولین رئیس جمهور افغانستان، ایفای وظیفه کردند و بعد مدیر مسؤول "مجلهٔ اردو" بودند که بعدها بحیث رئیس نشرات اردو گماشته شدند. در سال ۱۳۳۵ خورشیدی ازدواج نمودند، با دوشیزه ای از خانوادهٔ محمد زائی که ثمرهٔ این ازدواج ۴ دختر و یک پسر است. ایشان در طول دوران فعالیت‌های فرهنگی خود همکار مجله‌ها و نشریاتی چون اتفاق اسلام، مجلهٔ ادبی هرات و مجلهٔ ژوندون بودند. در سال ۱۳۳۸ یک مجموعهٔ شعری شان جایزهٔ ادبی و مقام دوم سال را کسب کرد. از مشخصات فکری و علایق دیگر ایشان این بوده، که دستی هم به موسیقی داشته و گاهی زخمه ای به تنبور و انگشتی به هرمونیه میزدند.

این نکته نیز قابل ذکر است که باری شاعر به خاطر سرودن شعری از کابل به هرات تبعید شدند و حکومت شاهی وقت نتوانست شعرهای انتقادی ایشان را تحمل نماید.

جناب مامور غلام نبی امینی، از فرهنگیان و موی سپیدان هرات، که در جریان فعالیت‌های ادبی آن سالها قرار داشته در مورد محترم عاطفی چنین میگوید:

«عاطفی از جوانی شاعر و نویسندهٔ مشهوری بود و در عین حال ایشان یک نظامی بسیار خوبی هم بودند، همدوره‌های ایشان، او را به صفت یک افسر نمونه میشناختند. زمانی که داوود خان وزیر دفاع شده بود شعری سروده بود که "در قلم قوت من بیشتر از شمشیر است" در این شعر به داوود خان میگوید که عسکریت جان و تن مرا فرسود بر این اساس بود که او را از قطعهٔ نظامی به مدیریت مجلهٔ اردو تقرر دادند.»

آقای روح الله امینی، که مسؤولیت چاپ و نشر مجموعهٔ شعری ایشان موسوم به "آئینه محیط" را برعهده گرفتند، در مورد شاعر چنین مینویسند:

«استاد عاطفی از آن قلم بدستانی بودند که در چوکات نظام وقت در خفقان حکومت شاهی ظاهر خان همزمان که عدهٔ زیادی از قلم بدستان ما درباری شعر میسرودند و مدح میکردند، قلم انتقادش به جان بسیاری ها شمشیر ناگزیر شده بود که بجان بیعدالتی‌ها از غلاف برآمده بود، که حق زن بیوه و کودک یتیمی که برای نان شبش به قول سید علی صالحی رو به باران گریه میکردند، چاره ای بیابد. مخاطب قلم عاطفی در آن دوره کسانی بودند که بقول خودشان ... در رأس امور ما نشسته و دروازهٔ عدل و داد بسته بودن ....»

"آئینه محیط" در همان فضائی گفته و قطعه قطعه منتشر شده بود که امروز شاید نتوانیم بخوبی بفهمیم، که گفتن و نشر چنین شعرهائی در چنان زمانی چه همت و شجاعتی میخواست؛ آن هم برای کسی که خود در چوکات نظامی وظیفه ای رسمی بر عهده داشت. با تأسف که از جناب عاطفی فقط یک مجموعه شعری بنام "آئینه محیط" بجا مانده است. ایشان اثری دیگر هم داشتند - از جمله نگارش تاریخ از چشمدید خود شان از ۳۵ سال اخیر، و سروده هائی - که بدبختانه بر اثر حمله راکتی به خانه مسکونی شان همه طعمه حریق گردیدند. شاعر وطن دوست با وصف اینکه زمینه مهاجرت و پناهگزینی برای شان میسر شد، اما با عشقی که به میهن داشتند بگفته خود شان ... :

گویند چرا غرب نرفتی چه بگویم؟  
زولانه حب الوطن افتاده به پایم  
این ملت مظلوم نمرده ست و نمیرد!!!  
شمشیر به کف، وارث خون شهدایم

بالآخره ایشان به عمر ۸۳ سال در کشور خویش دور از فرزندان، تنها با خانمش که در طول زندگی یاور و مؤنس تنهاییهایش بود، بتاريخ ۱۵ حوت ۱۳۸۹ چشم از جهان بستند؛

روح شان شاد و بهشت برین جای شان باد!